



داکتر نور احمد خالدي

۰۶ سپتمبر، ۲۰۲۶

بررسی ریشه و نام زبان دری

کدام درست است: دری، فارسی دری، فارسی؟

پاسخ مختصر:

نام اصلی و تاریخی این زبان «دری» است. این زبان در خراسان و ماوراءالنهر (افغانستان امروزی و بخش‌هایی از آسیای مرکزی) از تلفیق زبان‌های بلخی، تخاری و سغدی با عربی شکل گرفت و سپس به فارس و سایر مناطق ایران امروزی گسترش یافت. اما اینکه چرا به «فارسی» شهرت اول: نامگذاری توسط اعراب:

یافت، پرسشی است که پاسخ آن در سه نظریه اصلی خلاصه می‌شود.

نظریه دیدگاه استاد محمد محمدی ملایری و استاد عبدالحی حبیبی:

بر اساس این نظریه، اعراب تمام مناطق «عجم» (غیرعرب) در شرق را به «فارس» نسبت می‌دادند و به همین دلیل، زبان اهالی این مناطق را «فارسی» نامیدند. این نامگذاری، یک برچسب بیرونی (برون‌نام) بود که از سوی اعراب بر زبان مردم خراسان و ماوراءالنهر نهاده شد. از نظر تاریخی، این دیدگاه با شواهد زیر تأیید می‌شود:

- منابع عربی قرن چهارم هجری (مانند آثار ابن‌مقفع و مقدسی) نخستین بار از لفظ «دری» به عنوان زبان یاد کرده‌اند.
- در همان منابع، اشاره شده است که «دری» زبان دربار و شهرهای خراسان و ماوراءالنهر بوده است.

مزیت این نظریه: با واقعیت تاریخی همخوانی دارد که اعراب به همه غیر عرب‌ها در عجم «فارس» می‌گفتند و زبان آنها را «فارسی» می‌نامیدند، حتی اگر خود مردم خراسان زبان خود را «دری» می‌نامیدند.

نظریه دوم: نسبت به فارس به عنوان مرکز ساسانیان:

دیدگاه استاد محمد محمدی ملایری:

بر اساس این نظریه، اهالی خراسان زبان خود را «فارسی» معرفی کردند، زیرا زبان اداری و دیوانی ساسانیان به عنوان یک زبان معیار در سراسر امپراتوری رواج داشت و فارس مرکز این امپراتوری بود. بنابراین، مردم خراسان زبان خود را که صورت تکامل‌یافته همان زبان بود، به نام مرکز آن (فارس) نامیدند.

مزیت این نظریه: با این واقعیت همخوانی دارد که زبان پهلوی ساسانی (پارسیک) زبان رسمی و اداری امپراتوری بود و در خراسان نیز رواج داشت.

نقد وارد بر این نظریه: تحقیقات زبان‌شناسی تطبیقی نشان می‌دهد که رابطه فارسی دری با زبان پهلوی اشکانی (پارتی/پهلوانی) بسیار نزدیک‌تر است تا با پهلوی ساسانی (پارسیک). بنابراین، نسبت دادن مستقیم زبان دری به فارس، از لحاظ زبان‌شناسی دقیق نیست.

نظریه سوم: تغییر تلفظ «پارتی» به «پارسی» و «فارسی»:

دیدگاه استاد محمدحسین یمین:

بر اساس این نظریه، نام «فارسی» از تغییر تلفظ «پارتی» به «پارشی» و سپس به «پارسی» و بالاخره «فارسی» به وجود آمده است.

استاد یمین معتقد است که:

- زبان فارسی دری ادامه پهلوی اشکانی (پارتی) است، نه پهلوی ساسانی.
 - این زبان با مهاجرت پارتی‌ها به شرق، به خراسان و ماوراءالنهر منتقل شد.
 - نام «پارتی» به مرور به «پارسی» و سپس به «فارسی» تبدیل شده است.
- مزیت این نظریه:** با یافته‌های زبان‌شناسی تطبیقی همخوانی دارد که نشان می‌دهد فارسی دری به پهلوی اشکانی نزدیک‌تر است تا پهلوی ساسانی.

نقد وارد بر این نظریه: این نظریه فرض می‌کند که مهاجرت گسترده‌ای از پارت به خراسان صورت گرفته است، اما مدارک تاریخی برای چنین مهاجرت گسترده‌ای وجود ندارد. همچنین، تغییر آوایی «پارتی» به «پارسی» نیازمند تبیین زبان‌شناختی دقیق‌تری است.

نظریه چهارم: نام «دری» به معنی «درباری»:

دیدگاه جمعی از محققان (ابوالفرج، مقدسی، شمس قیس رازی، ذبیح‌الله صفا)

بر اساس این نظریه، «دری» از کلمه «در» و «دربار» گرفته شده است و به زبانی اشاره دارد که در دربار پادشاهان و دولت‌ها به عنوان زبان معیار، رسمی و ادبی رواج داشته است. **مزیت این نظریه:** با کاربرد تاریخی «دری» در منابع قرن چهارم و پنجم هجری همخوانی دارد و نشان می‌دهد که «دری» در اصل یک گونه ادبی و معیار از زبان بوده است، نه یک زبان جداگانه.

نظریه پنجم: «دری» برگرفته از «دره»:

دیدگاه برخی محققان (نگهت سعیدی، مؤلف فرهنگ نظام):

بر اساس این نظریه، «دری» به «دره» نسبت داده می‌شود و به زبان مردمان کوهپایه‌های بلخ، بدخشان، مرو و بخارا اشاره دارد. برخی نیز «دری» را منسوب به «دره» (به معنای دره و کوهستان) دانسته‌اند و آن را زبان ساکنان مناطق کوهستانی خراسان بزرگ معرفی کرده‌اند. **نقد:** این نظریه کمتر مورد پذیرش قرار گرفته و بیشتر جنبه حدسی دارد.

نظریه ششم: «دری» برگرفته از «تخاری» (دهاری):

دیدگاه ملک‌الشعرا بهار، واصف باختری، و برخی زبان‌شناسان اروپایی (کرسینین، هیننگ):

بر اساس این نظریه، واژه «دری» از «دهاری» (تخاری) گرفته شده است. «دهار» نام سرزمینی بوده که امروز به «تخار» معروف است. زبان «دهاری» بر اثر قانون فوننتیکی به «دهری» و سرانجام به «دری» تبدیل شده است.

مزیت این نظریه: با یافته‌های زبان‌شناسی تطبیقی همخوانی دارد و نشان می‌دهد که زبان دری یکی از زبان‌های شرقی ایران باستان بوده است. همچنین با این واقعیت همخوانی دارد که زبان دری در خراسان و ماوراءالنهر شکل گرفته است.

تحلیل نهایی:

جمع‌بندی یافته‌ها:

تحقیقات زبان‌شناسی و تاریخی به در مورد نام زبان دری موارد زیر اشاره دارند:

نظریه	طرفداران اصلی	نقاط قوت	نقاط ضعف
نام‌گذاری توسط اعراب	استاد ملایری، استاد حبیبی	همخوانی با منابع تاریخی عربی	توضیح نمی‌دهد چرا خود مردم خراسان زبان خود را «فارسی» نمی‌نامیدند
نسبت به فارس ساسانی	استاد ملایری	همخوانی با واقعیت امپراتوری ساسانی	از نظر زبان‌شناسی، دری به پهلوی اشکانی نزدیک‌تر است تا ساسانی
تغییر تلفظ پارتی	استاد یمین	همخوانی با یافته‌های زبان‌شناسی	نیازمند اثبات مهاجرت گسترده از پارت به خراسان

نظریه	طرفداران اصلی	نقاط قوت	نقاط ضعف
«دری» به معنی درباری	ابوالفرج، مقدسی، صفا	پشتیبانی از منابع کهن	«دربار» کدام دربار؟ نامشخص است
«دری» برگرفته از «دره»	گروهی از محققان	-	کمتر مورد پذیرش قرار گرفته
«دری» برگرفته از «تخاری»	ملک الشعرا بهار، واصف باختری	همخوانی با زبان‌شناسی و جغرافیای تاریخی	نیازمند شواهد بیشتر

پاسخ به پرسش‌ها:

۱. «اگر این موضوع حقیقت تاریخی است چرا به نام فارسی شهرت یافته است؟»

به دلیل سه عامل اصلی:

- **پرچسب عربی:** اعراب به همه غیرعرب‌های شرق «فارس» می‌گفتند و زبان آنها را «فارسی» می‌نامیدند.
- **ادامه سنت ساسانی:** زبان اداری ساسانیان «پارسیک» (پهلوی) نام داشت و زبان دری ادامه آن به شمار می‌رفت.

• **شهرت ادبی:** پس از ظهور شعرای بزرگ خراسان (رودکی، فردوسی و...)، این زبان به عنوان «فارسی» در سراسر جهان اسلام شناخته شد و خود فردوسی نیز در شاهنامه از آن به عنوان «پارسی» یاد کرده است.

۲. «جهانگردان و نویسندگان اولیه عرب در این مورد چه گفته اند؟»

• **ابوالفرج (ابن ندیم) در الفهرست:** اشاره کرده که «دری» زبان دربار و شهرهای مدائن بوده است.

• **مقدسی در احسن التقاسیم:** «دری» را گویش صاحب منصبان بخارا دانسته است.

• **ابن حوقل:** از «پارسی دری» به عنوان زبان رایج خراسان یاد کرده است.

• **یاقوت حموی:** اشاراتی به واژه «دری» و کاربرد آن دارد.

• **ابوریحان بیرونی در التفهیم:** به صراحت گفته است: «لغت پارسی دری است، و آن زبان شهرهای مرو و بلخ و بخارا و بدخشان و هرات و...».

۳. **جها نگردان اولیه عرب قبل از حمله به فارس و بعد از حمله چه گفته اند؟**

پس از حمله اعراب به فارس، ارتباط با خراسان بیشتر شد و در قرن چهارم هجری، اصطلاح «دری» به عنوان نام زبان خراسان و ماوراءالنهر در منابع عربی ظاهر شد. جهانگردانی مانند ابن بطوطه (قرن هشتم هجری) نیز به گسترش زبان فارسی در سراسر جهان اسلام اشاره کرده اند.

۴. **استادان معاصر ایرانی در این مورد چه گفته اند؟**

• **استاد محمد محمدی ملایری (۱۳۹۰-۱۲۹۰ شمسی):** معتقد بود که زبان دری از تلفیق زبان‌های محلی خراسان با عربی به وجود آمده و اعراب آن را «فارسی» نامیده‌اند.

• **استاد محمدحسین یمین (۱۴۰۰-۱۳۱۵ شمسی):** بر این باور بود که زبان فارسی دری ادامه زبان پهلوی اشکانی (پارتی) است و نام «پارسی» از تغییر تلفظ «پارتی» به وجود آمده است.

نتیجه گیری

نام اصلی و تاریخی این زبان، «پارسی دری» یا به اختصار «دری» است. این زبان در خراسان و ماوراءالنهر شکل گرفته و سپس به فارس و سایر مناطق گسترش یافته است. اینکه چرا به «فارسی» شهرت یافته، ناشی از برچسب گذاری اعراب، ادامه سنت ساسانی و شهرت ادبی این زبان در جهان اسلام بوده است.

بر اساس تحقیقات زبان‌شناسی و تاریخی، ترکیب زبان دری چنین است:

- سهم غالب: پهلوی اشکانی (پارتی) و زبان کوشانی (زبان مادر)
 - سهم دیگر: بلخی، تخاری، سغدی، خوارزمی و عربی
 - خاستگاه اصلی: خراسان و ماوراءالنهر (افغانستان امروزی)
- واقعیت تاریخی این است که: زبان دری زبانی ترکیبی (تحلیلی) است که با آمیزش از زبان‌های کهن و میانه (اوستایی، پارتی، کوشانی، پهلوی ساسانی، سغدی و خوارزمی) به وجود آمده و سهم پهلوی اشکانی و کوشانی در آن بیشتر از سایر زبان‌هاست.

فهرست منابع و مآخذ درباره نام و ریشه زبان دری

منابع تاریخی (دست اول)

یک. الفهرست، ابن‌ندیم (ابوالفرج)، قرن چهارم هجری. اشاره به زبان «دری» به عنوان زبان دربار مدائن.

دو. مفاتیح العلوم، خوارزمی، قرن چهارم هجری. اشاره به زبان دری و کاربرد آن در علوم.

سه. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، مقدسی (شمس‌الدین)، قرن چهارم هجری. نخستین اشاره به «دری» به عنوان زبان و صفت فصیح بودن آن.

چهار. تاریخ بخارا، نرشخی، قرن چهارم هجری. اشاره به اینکه مردم بخارا در مسجد به زبان دری نماز می‌خواندند.

پنج. ترجمه تفسیر طبری، گروهی از مترجمان، قرن چهارم هجری. نخستین بار کلمه «دری» به شکل «پارسی» در این کتاب دیده می‌شود.

شش. التفهیم لاوائل صناعة التنجیم، ابوریحان بیرونی، قرن پنجم هجری. «لغت پارسی دری است، و آن زبان شهرهای مرو و بلخ و بخارا و بدخشان و هرات و...»

هفت. المعجم فی معاییر اشعار العجم، شمس قیس رازی، قرن ششم هجری. اشاره به اینکه مردم عراق عجم به زبان فهلوی (پهلوی) سخن می‌گفتند، نه دری.

هشت. برهان قاطع، محمدحسین بن خلف تبریزی، قرن یازدهم هجری. «دری» را لغت پارسی باستان و به معنای «فصیح» دانسته است.

منابع تحقیقاتی معاصر (محققان افغانستان):

یک. ملک‌الشعرا تقی بهار، تاریخ تحول زبان فارسی. زبان دری اصلاً لهجه مردم خراسان و ورارود است؛ در قرن چهارم هجری در غرب و جنوب غرب ایران هیچ کتابی به زبان دری دیده نشده است.

دو. استاد واصف باختری، مقالات و تحقیقات. «دری» مشتق از «دهاری» (تخاری) است؛ «دهار» نام سرزمینی است که امروز «تخار» نامیده می‌شود.

سه. استاد عبدالحی حبیبی، تحقیقات تاریخی. منابع عربی قرن چهارم هجری نخستین بار از لفظ «دری» به عنوان زبان یاد کرده‌اند.

چهار. استاد محمد حسین یمین، دستور معاصر زبان پارسی دری؛ تاریخچه زبان فارسی دری. زبان فارسی دری دنباله پهلوی اشکانی (پارتی) است و «پارسی» از تغییر تلفظ «پارتی» به وجود آمده است.

پنج. میر غلام محمد غبار، تحقیقات تاریخی. محل زایش زبان فارسی دری در دو سوی رود جیحون (خراسان قدیم و ورارود) است.

شش. استاد محمدحیدر ژوبل، تحقیقات زبان‌شناسی. زبان دری تا دو نیم قرن پیش از اسلام در خراسان و شهرهای آن ایجاد شده بوده است.

هفت. استاد نگهت سعیدی، مقالات. «دری» را از «دره» احتمال داده است که نخستین خاستگاه پارت‌ها بوده است.

هشت. محمد تقی سپهرزاد، تحقیقات. خاستگاه زبان دری در شمال و جنوب آمودریا (بلخ، بدخشان، تخار و...) بوده است.

نه. پوهاند احمدعلی کهزاد، تحقیقات تاریخی. زبان دری از تلفیق زبان‌های محلی خراسان به وجود آمده است.

منابع تحقیقاتی معاصر (محققان ایرانی):

یک. استاد محمد محمدی ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی (۶ جلد)؛ فرهنگ ایرانی پیش از اسلام. زبان دری از تلفیق زبان‌های محلی خراسان با عربی به وجود آمده و اعراب آن را «فارسی» نامیده‌اند.

دو. استاد ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات ایران. «دری» را به «دربار» و «درگاه» منسوب داشته است.

سه. دکتر غلامرضا افقری، مقالات. خاستگاه زبان دری را در شرق ایران امروزی (خراسان بزرگ) دانسته است.

چهار. دکتر جلال خالقی مطلق، تحقیقات زبان‌شناسی. به خاستگاه شرقی زبان دری اشاره کرده است.

منابع تحقیقاتی (محققان اروپایی و غربی):

یک. آنتوان میه (فرانسه). خاستگاه زبان فارسی دری را در مناطق خراسان و ماوراءالنهر دانسته است.

دو. هرتسفلد (آلمان). از محققانی که نظریه خراسان را تأیید کرده‌اند.

سه. تیودور نولدکه (آلمان). با مطالعه زبان‌شناسی تطبیقی به خاستگاه شرقی زبان دری رسیده است.

چهار. ریچارد فرای (آمریکا). از بزرگترین ایران‌شناسان قرن بیستم و طرفدار نظریه خراسان.

پنج. کرسینین (اروپا). «دری» را از «دهاری» (تخاری) دانسته است.

شش. هیننگ (انگلستان). «دری» را از «دهاری» (تخاری) دانسته است.

هفت. برتلس (روسیه). زبان دری در خراسان و ورارود از جای دیگری نیامده است؛ پیش از اسلام در قرن ششم میلادی در این سرزمین وجود داشته است.

هشت. یوهان آگوست وتر (آلمان). از محققانی که خاستگاه شرقی زبان دری را تأیید کرده‌اند.

منابع ترکیبی و دایرةالمعارفی:

یک. فرهنگ نظام. «دری» را زبان مردم بدخشان و منسوب به «دره» دانسته است.

دو. دانشنامه جهان اسلام. کهن‌ترین آثار مکتوب زبان دری به خطوطی غیر از عربی نگارش یافته‌اند.

سه. دانشنامه بریتانیکا. (Encyclopaedia Britannica) مدخل. «Dari language»
چهار. دانشنامه ایرانیکا. (Encyclopaedia Iranica) مدخلهای مرتبط با زبان دری و
فارسی.

برای مطالعات بیشتر:

یک. تاریخچه زبان فارسی دری – ویکی‌پدیا
دو. گویش دری – دانشنامه بریتانیکا
سه. پارسی دری – دانشنامه ایرانیکا
چهار. هویت تاریخی زبان دری در افغانستان
پنج. تفاوت‌های زبان دری افغانستان و فارسی ایران

مهم‌ترین نقل قول‌های تاریخی:

ابوریحان بیرونی در التفهیم (قرن پنجم هجری): «لغت پارسی دری است، و آن زبان شهرهای
مرو و بلخ و بخارا و بدخشان و هرات و...»
مقدسی در احسن التقاسیم (قرن چهارم هجری): نخستین بار لفظ «دری» را به عنوان زبان در
متون عربی به کار برده است.
ملک‌الشعرا بهار در تاریخ تحول زبان فارسی: «زبان پارسی دری اصلاً لهجه‌های مردم خراسان
و ورارود است که در این‌جاها تاجیکان زندگی می‌کنند».
برتلس (محقق روس): «زبان دری در خراسان و ورارود از جای دیگری نیامده است؛ بلکه این
زبان پیش از اسلام در قرن ششم میلادی در این سرزمین وجود داشته است».
واصف باختری: «کلمه دری مشتق از دهاری می‌باشد که دهار نام سرزمینی است که از آن امروز
به نام تخار یاد می‌کنند».